



سیدمای

امام علی علیه السلام

در

آینه

قرآن و حدیث

مریم معینی نیا

مقدمه

دوران زندگانی علی بن ابی طالب علیه السلام در پرتو همجواری با شخص اول اسلام - حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم - از کودکی تا بزرگسالی و به تبع آن رشد و اعتلای روحی و فکری در نزد ایشان و برخورداری از انفاس قدسی و تعالیم نبوی؛ همچنین ایفای نقش تاریخی و حساس و سرنوشت ساز حضرت علی علیه السلام در مقاطع مختلف از دوران پرفراز و نشیب رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، سبب بوجود آمدن فضایل و مناقب خاص و ویژه ای در وجود ایشان گردید که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، به عنوان شخص دوم عالم اسلام شناخته شد؛ و در این خصوصیات کسی هم تراز و هم پایه با ایشان نبوده است.

حضرت علی علیه السلام در تمام مراحل نبوت، یک لحظه از یاری و پشتیبانی رسول خدا سستی و غفلت نمود و تاریخ اسلام را سرشار از فداکاریها و شجاعتها و دلاوری های خود کرد. تمامی این فضایل و نیز کسب مقام دامادی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که حاکی از علاقه و محبت رسول خدا به حضرت علی علیه السلام بود، بدون شک حسادت برخی را برانگیخت و دشمنی هانی را علیه او فراهم ساخت که تا زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، جرأت علنی کردن آن را نداشتند و آن را مخفی می داشتند. اما این دشمنی های پنهانی پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، در امر جانشینی و خلافت پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و

پیشگام

سال هفتم
شماره ۲۸

۱۵۳

خانه نشین کردن بیست و پنج ساله حضرت علی علیه السلام گواه این مطلب است. لذا کتمان کردن حقایق و فضایل علی علیه السلام از سوی مخالفان و معاندان، امری طبیعی و بدیهی بود. لکن، علی رغم تمامی این تلاشها در نادیده گرفتن فضایل و مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، قرآن کریم به عنوان اولین و مهم ترین دلیل و سند ما مسلمانان، به فراخور مقاطع مهم تاریخی صدر اسلام، آیات متعددی را درباره حضرت علی علیه السلام ذکر کرده که دقت و تفحص در شأن نزول آن آیات، سیمای علی علیه السلام را در آن کتاب آسمانی ترسیم و شأن و مرتبت قدسی و الهی آن حضرت را بر مشتاقان حق و حقیقت مبرهن و آشکار می سازد. از دیگر متون معتبر در دریافت مقام والا ی علی علیه السلام، احادیث و روایات منقول از رسول خدا صلی الله علیه و آله است که خود در چهره ای دیگر در اثبات فضایل آن حضرت است.

در این مقال بر آنیم تا سیمای علی بن ابی طالب علیه السلام را در آیات متعددی از قرآن کریم و نیز احادیث نبوی دریابیم.

شأن نزول آیاتی از قرآن در ثبوت مقام علی علیه السلام

۱. ماجرای لیلۃ المیمیت یا خوابیدن علی علیه السلام بر بستر پیامبر صلی الله علیه و آله در شب هجرت، در اکثر منابع شیعی چون تاریخ یعقوبی، مروج الذهب مسعودی، الأرشاد مفید و جز آن آمده است. قابل توجه آن که در کتب معتبر اهل سنت مانند ابن هشام، تاریخ طبری و کامل ابن اثیر نیز این واقعه به گونه مشروح ذکر شده است.

ابن هشام در ابتدای خیر هجرت، به این مطلب اشاره دارد که همه اصحاب هجرت کردند و هر کس ماند گرفتار حبس یافته شد مگر علی بن ابی طالب و ابوبکر. ۱ سپس ماجرای خوابیدن حضرت علی علیه السلام بر رختخواب رسول خدا در شب هجرت ایشان به مدینه و پوشیدن جامه سبز حضرمی - که به دستور پیامبر برای محفوظ ماندن علی علیه السلام از آسیب دشمنان بود - را آورده است. سپس از هجوم کفار قریش در صبحگاه به بستر پیامبر صلی الله علیه و آله و دیدن علی به جای ایشان سخن گفته است. ۲ طبری در کتاب تاریخش ماجرای فوق را مشروح ذکر کرده است. ۳ ابن اثیر نیز، ضمن ذکر ماجرای لیلۃ المیمیت، در خاتمه افزوده است، که کفار قریش، هنگامی که علی علیه السلام را به جای پیامبر صلی الله علیه و آله در بستر یافتند او را زدند و به سوی مسجد الحرام بردند و ساعتی او را نگه داشتند سپس رهایش کردند. ۴ ذکر کامل این روایت تاریخی در منابع فوق، اهمیت اقدام علی علیه السلام در شب هجرت را به عنوان یکی از فضایل خاص برای آن حضرت تصریح می کند.

در أمالی شیخ مفید از امام چهارم علیه السلام روایت شده که آیه: «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رؤوف بالعباد» (بقره، ۲/ ۲۰۷) درباره علی علیه السلام و خوابیدن ایشان در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله



به هنگام هجرت شبانه رسول خدا از مکه به سوی مدینه نازل شده است. ۵. لذا اهمیت اقدام شجاعانه علی علیه السلام از نزول این آیه در شأن و منزلت ایشان، به ثبوت رسیده است.

۲. یکی از سوره های معروف قرآن که شأن نزول آن را درباره علی علیه السلام ذکر کرده اند، سوره عادیات در جریان سریه ذات السلاسل است. ۶ در پاره ای از مآخذ شیعی، برخلاف گزارشی که از این سریه در منابع معتبر سنتی چون ابن هشام، ۷ طبری^۸ و غیر آن آمده است، ماجرا به این صورت رخ داد که با اعزام عمرو بن عاص کار به انجام نرسید و مقصود حاصل نشد. بلکه پس از مأمور شدن علی بن ابی طالب، دشمن از پای درآمد و خاطر رسول خدا و سایر مسلمانان از آنها آسوده شد. طبرسی در مجمع البیان آورده:

بعضی گفته اند سوره عادیات وقتی نازل شد که رسول خدا، علی علیه السلام را به جنگ ذات السلاسل فرستاد، و علی علیه السلام لشکر دشمن را شکست داد و این در حالی بود که قبل از آن در چند نوبت افرادی با لشکریانی رفته بودند و نتوانستند کاری صورت دهند و به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بازگشتند. این ماجرا در حدیثی طولانی از امام صادق علیه السلام روایت شده است. و آن را ذات السلاسل خوانده اند زیرا که علی علیه السلام شکست فاحشی به مشرکان داد و عده ای را کشت، جمعی را اسیر کرد، و اسیران را در طناب آنچنان به هم بست که گویی در غل و زنجیراند. وقتی این سوره نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله از خانه به میان مردم آمد و نماز صبح را خواند و در نماز همین سوره (عادیات) را تلاوت کرد. بعد از آن که نمازش تمام شد، اصحاب گفتند: ما این سوره را نشنیده بودیم، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بله، علی بر دشمنانش ظفر یافت و خدای تعالی این سوره را فرستاد و جبرئیل امشب با آوردن آن، فتح علی علیه السلام را به من مژده داد، چند روز بیشتر نگذشت که علی علیه السلام با غنایم و اسیران رسید.^۹

۳. از دیگر آیاتی که درباره شایستگی و منزلت حضرت علی علیه السلام نازل شده است، آیه: «الذین ینفقون اموالهم باللیل والنهار سراً و علانیه فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» (بقره، ۲/۲۷۴) است. یعنی، کسانی که مال های خود را در شب و روز، نهان و آشکار انفاق می کنند، برای ایشان در نزد پروردگار پاداشی است و آنان نه ترسی دارند و نه اندوهگین می شوند. در مجمع البیان در ذیل آیه فوق آمده است: از ابن عباس در سبب نزول این آیه چنین روایت شده که علی بن ابی طالب علیه السلام چهار درهم داشت؛ یکی را در شب، دیگری را در روز، سومی را به طور مخفیانه و چهارمی را آشکارا صدقه داد و این آیه در شأن آن حضرت نازل شد. طبرسی گوید: این معنی از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روایت شده است؛ عیاشی در تفسیر خود و شیخ مفید در اختصاص و شیخ صدوق در عیون نیز نقل کرده اند.^{۱۰}

در تفسیر المیزان آمده است:

افراد مختلفی از ابن عباس روایت کرده‌اند و در تفسیر آیه، «و يطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً» (دهم، ۸/۷۱) گفته‌اند، این آیه در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام و فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا نازل شده است. و در روایتی از ابن عباس چنین آمده، حسن و حسین بیمار شدند و رسول خدا صلی الله علیه و آله با جمعی از صحابه از ایشان عیادت کرد. مردم به علی علیه السلام گفتند بهتر است برای بهبودی فرزندان نذری کنی. علی و فاطمه و فضه کنیز آنها نذر کردند که اگر کودکان بهبود یابند سه روز روزه بدارند. بچه‌ها بهبودی یافته و اثری از آن کسالت باقی نماند. علی علیه السلام سه من جو قرض کرد و فاطمه علیها السلام یک من آن را دستاس و سپس خمیر کرد و پنج قرص نان به تعداد خانواده پخت، و سهم هر کس را جلویش گذاشت تا افطار کنند. در همین زمان سائلی (به در خانه آمده) گفت، سلام بر شما اهل بیت، من مسکینی از مساکین مسلمان هستم، مرا اطعام دهید که خدا شما را از موائد بهشتی طعام دهد.

خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند، و آن شب را جز آب چیزی نخوردند و شکم گرسنه دوباره نیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم طعام را پیش روی خود نهادند تا افطار کنند، یتیمی بر در خانه ایستاد، آن شب هم یتیم را بر خود مقدم داشته و در شب سوم نیز اسیری آمد و همان عمل را با او کردند. صبح روز چهارم که شد، علی علیه السلام دست حسن و حسین را گرفت و نزد رسول خدا آمدند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی بچه‌ها را دید که از شدت گرسنگی می‌لرزند، فرمود، چقدر بر من دشوار است که شما را در چنین حالی ببینم، آن‌گاه با علی علیه السلام و کودکان به سوی فاطمه علیها السلام رفت و او را در محراب یافت که از فرط گرسنگی چشمهایش گود افتاده بود. از مشاهده این وضع ناراحت شد، در همین حال جبرئیل نازل شد و عرضه داشت، این سوره را بگیر، خدا تو را در داشتن چنین اهل بیتی تهنیت می‌گوید، آن‌گاه آیات را قرائت کرد. ۱۱

۴. از دیگر آیات مهم نازل شده در شأن و منزلت حضرت علی علیه السلام، آیه: «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة و یؤتون الزکوة و هم راکعون» (مائده، ۵۵/۵) است. امامیه معتقد است، این آیه نص در ولایت و خلافت آن حضرت است. زیرا تنها اوست که در حال رکوع انگشتر خود را به سائل داد. ۱۲ علامه طباطبایی در تفسیر المیزان آورده:

اجماع علما و اهل حدیث از همه فرق اسلام این است که تنها حضرت علی علیه السلام انگشتر خود را در حال رکوع نماز به تصدق داد. از این رو، خداوند پاس عملش را نکه داشته و آن آیه را در شأن حضرت علی علیه السلام فرستاده است، و می‌بینیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله، او را از میان همه اصحاب خود به این کلمات اختصاص داده و امر ولایتش را آشکار ساخت و فرمود، «من کنت مولاهُ فعلي مولاهُ، اللهم



۵. از دیگر آیاتی که می‌تواند بیانگر شأن و فضیلتی در خور توجه برای اهل بیت پیامبر ﷺ و از جمله حضرت علی علیه السلام باشد، آیه مباهله (آن عمران، ۶۱/۳) است. این ماجرا از وقایع مهم تاریخ اسلام در سال دهم هجری است. در ماجرای مباهله به دستور خداوند، رسول اکرم صلی الله علیه و آله موظف شد تا با فرزندان و خاندانش در مقابل رؤسای قوم مسیحی که در پذیرش آیین جدید مقاومت کرده و حقانیت آن را زیر سؤال می‌بردند، به ملاحظه و نفرین کردن بر یکدیگر پردازند، و در این مراسم، اهل بیت ایشان یعنی علی و فاطمه و حسن و حسین او را همراهی می‌کردند. وقتی مسیحیان نجران آنها را دیدند گفتند: اینها همان چهره‌هایی هستند که اگر خدا را سوگند دهند تا همه کوه‌های جهان را از جای برکنند، خدا چنان کند. بنابراین دست از مباهله برداشتند و به شرط پرداخت جزیه با مسلمانان از در صلح و دوستی درآمدند. ۱۴

قابل ذکر است، آیات متعددی در قرآن کریم در شأن و مرتبت حضرت علی علیه السلام نازل شده است که به طرح و بررسی مهم‌ترین و معروف‌ترین آنها پرداخته شد؛ چرا که ذکر تمامی آنها در محدوده این مقال نمی‌گنجد.

مقام و منزلت علی علیه السلام در احادیث نبوی

۱. حدیث یوم الدار: بعد از نزول آیه مبارکه «و انذر عشیرتک الاقرین» (شعراء، ۲۶/۲۱۴)، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را که در آن روز پانزده سال بیشتر نداشت خواست و به او گفت که طعامی آماده سازد و عموم خویشاوندان را که شامل همه فرزندان عبدالمطلب، یعنی عموها و عمو زاده‌ها و عمه زاده‌های پیامبر بودند دعوت کند. تعداد آنان از چهل نفر تجاوز نمی‌کرد. چون برای بار سوم آنها را جمع کرد و غذا صرف شد، پیامبر در جمع آنها سخن گفت و فرمود: هیچ کس از برای کسان خود، چیزی بهتر از آنچه من برای شما آورده‌ام، نیاورده است. من خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده‌ام. خدایم به من فرمان داده که شما را به سوی او بخوانم. کدام یک از شما یاور و پشتیبان من خواهد بود تا برادر، وصی و جانشین من در میان شما باشد. سکوت بر مجلس حاکم شد و هیچ کس جواب مثبت نداد. تنها علی علیه السلام که از همه کوچک تر بود از جای برخاست و اعلام پشتیبانی از پیامبر خدا کرد. چون پیامبر سه بار این سخن را گفت و هر بار علی علیه السلام برخاست، گردن او را گرفت و فرمود: این برادر من، وصی من و خلیفه من در میان شماست؛ سخن او را بشنوید و فرمان او را ببرید. ۱۵

این حدیث بیانگر فضیلتی در خور توجه برای حضرت علی علیه السلام است که از همان ابتدای بعثت، آمادگی برای هر گونه فداکاری در راه حمایت از رسول خدا را اعلام می‌کند.

۲. حدیث منزلت: درباره عدم حضور علی علیه السلام در غزوة تبوک و ماجرای آن آمده است: رسول خدا در سفر تبوک، علی بن ابی طالب را در میان اهل خویش گذاشت. منافقان گفتند: برای خلاصی از دست او، وی را همراه نبرده است! در این وقت علی علیه السلام سلاح گرفته و در جرف به رسول خدا رسید و آنچه را منافقان گفته بودند به عرض آن حضرت رسانید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: دروغ می گویند، من به خاطر آنچه در پشت سر گذاشته بودم تو را در آنجا نگه داشتم، برگرد و به جای من در اهل من و خودت بمان. آیا راضی نیستی که نسبت به من مانند هارون به موسی باشی، جز آن که پیامبری بعد از من نمی آید (أفلا ترضی یا علی أن تكون منی بمنزلة هارون من موسی، إلا أنه لا نبی بعدی). در این هنگام علی علیه السلام به مدینه بازگشت و رسول خدا به سفر ادامه داد. ۱۶

این حدیث، پس از حدیث یوم الدار از مهم ترین احادیث در بیان مقام و شأن علی بن ابی طالب علیه السلام است که به حدیث منزلت مشهور شده و راویان زیادی آن را در کتب خویش ذکر کرده اند. ۱۷

۳. حدیث غدیر خم: ابن هشام که اخبار حجة الوداع را از شروع سفر تا پایان مناسک در دوازده روایت دنبال کرده است، ۱۸ در روایت سیزدهم بدون پرداختن به کیفیت مراجعت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه، فقط با عبارت: «ثم قفل رسول الله»، به برگشت اشاره ای کرده و آن گاه از اقامت آن حضرت در بقیة ذی الحجة و صفر، در مدینه و اعزام اسامة بن زید برای جنگ با رومیان سخن به میان آورده است؛ ۱۹ و هیچ اشاره ای به حدیث غدیر و مسأله امامت و جانشینی علی علیه السلام نکرده است.

طبری و ابن اثیر هم اخبار حجة الوداع را به تفصیل ذکر نکرده اند و از مسأله جانشینی و وصایت پیامبر صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام و حدیث معروف غدیر خم هیچ سخنی نگفته اند. ۲۰ به این ترتیب، این سؤال به ذهن متبادر می شود که این منابع، علی رغم توجه عام به سیره و زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله که در بعضی موارد حتی کوچک ترین جزئیات زندگی آن حضرت را به تفصیل ذکر کرده اند، چگونه روزهای زیادی از عمر پیغمبر را که هر دقیقه و ثانیه آن، با قول، فعل و یا تقریر آن حضرت می توانست مبین حکم جدید و دستور العمل تازه ای باشد، نادیده انگاشته و بدون اشاره به حادثه یا واقعه مهمی چون غدیر خم و مسأله امامت و جانشینی پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله، به قسمت دیگر پرداخته باشند؟!

ما مسلمانان معتقدیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هیچ شرایطی، جامعه و مردم را از داشتن امام بی نیاز نمی دید، حتی اگر تعداد آنها اندک و احتمال بروز شکاف و اختلاف ضعیف باشد، و می فرمود: «اذا خرج ثلاثه، فی سفر فلیؤمر علیهم احدهم»، اگر دو یا سه نفر در سفری بودید، یکی را به عنوان رئیس و مدبّر خود انتخاب کنید. ۲۱ این امر بیانگر نیاز انسان به رهبری و نظم است. پیامبری که از بیم اختلاف سه نفر در سفر، به آنها دستور می دهد تا یک نفر را به عنوان امیر



و رئیس خود انتخاب کنند، چگونه می توانسته امت اسلام را پس از خود، بدون تعیین سرپرست و زمامدار که در حل و فصل مشکلات مرجع باشد، رها کند و مسلمانان را در سلکی منظم در نیاورد؟! در حالی که نص صریح ایشان در واگذاری وصایت، جانشینی و خلافت مسلمانان به حضرت علی (ع) در بیان حدیث غدیر، نشان اهمیت فراوانی است که حضرت برای امر رهبری و پیشوایی مردم قایل بود. ۲۲ مسأله رهبری مسلمانان پس از پیغمبر آن قدر مهم و حساس بود که خداوند جبریل را نزد محمد (ص) فرستاد تا آن حضرت در حال حیات خویش برای ولای علی (ع) از مردم، شاهد و گواه بگیرد و پیش از وفات خود، حضرت را به نام امیر المؤمنین نامگذاری نماید، و پیامبر (ص) نه نفر از اصحاب مشهور و باران خود را به عنوان شاهد فراخواند. ۲۳ همچنین در بازگشت از حج در غدیر خم به پیامبرش فرمود: «یا ایها الرسول، بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته...» (مائده، ۶۷/۵)، و پس از ابلاغ خلافت و امامت علی (ع) از سوی رسول خدا (ص) با حدیث معروف: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» ۲۴، خطاب به عموم مسلمانان و اعلام رسمی جانشین و رئیس حکومت اسلامی پس از نبی، آیه: «الیوم اکملت لکم دینکم...» (مائده/۳) بر پیامبر (ص) نازل شد که نزول این آیه، به منزله تبریک و شادباش به رسول خدا بود و اینکه وی با اعلام ولایت، کمال دین را اعلام کرد، همچنین تأکید بر این نکته بود که اگر پیامبر (ص) نص ولایت را بر مردم ابلاغ نمی کرد، دین اسلام به کمال نمی رسید.

به جز این سه حدیث معروف در خصوص شأن و منزلت علی (ع)؛ به گواهی تاریخ، در مقاطع مختلف از دوران رسالت نبوی که در تمامی آن لحظات، علی (ع) همنشین و همکار و هم نفس با پیامبر (ص) بود و به عنوان نخستین مرد ایمان آورنده، پشت سر رسول خدا نماز گزارد. ۲۵ نمونه های فراوانی از سخنان و روایت های پیامبر (ص)، در بیان ویژگی های مختص حضرت علی (ع) و ترسیم سیمای واقعی ایشان و مقام و مرتبت الهی وارد شده است. چنانکه در مقام دامادی پیامبر (ص)، یعقوبی آورده است: وقتی علی بن ابی طالب، فاطمه (س) دختر رسول خدا را به سوی مدینه آورد، هنوز با او ازدواج نکرده بود، و دو ماه پس از هجرت، رسول خدا فاطمه (س) را به او تزویج کرد. ۲۶ مسلم است که حضرت فاطمه (س) خواهان بسیاری داشت و در کتب معتبر تاریخ اسلام آمده که ابوبکر و عمر هر یک خواهان فاطمه (س) بودند، لیکن چون خواست خود را با پیامبر (ص) در میان نهادند، رسول خدا (ص) گفت منتظر قضای الهی است. ۲۷ و هنگامی که حضرت علی (ع)، فاطمه (س) را از رسول خدا خواستگاری کرد، پیامبر (ص) پذیرفت. چون عده ای لب به اعتراض گشودند، فرمود: «ما أنا زوجتہ و لکن اللہ زوجتہ»، من فاطمه را به علی تزویج نکردم، بلکه خدا او را تزویج کرد. ۲۸

مسأله ازدواج حضرت فاطمه علیها السلام به عنوان تنها دختر و بازمانده رسول خدا با علی علیه السلام امری است مهم، به طوری که وقتی عاص بن وائل سهمی، به طعنه، پیامبر صلی الله علیه و آله را ابتر و منقطع از نسل می خواند، ۲۹ خداوند سوره کوثر را در شأن و منزلت فاطمه زهرا علیها السلام نازل می کند.

ابن هشام روایت کاملی را درباره حضور حضرت علی علیه السلام در جنگ احد ذکر کرده و آورده است که وقتی جنگ در احد شدید شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله در حفره ای که دشمن کنده بود افتاد و علی علیه السلام او را یاری کرد و دستش را گرفت، «فأخذ علی بن ابی طالب بید رسول الله»؛ و در ادامه می نویسد: برخی از آگاهان به من خبر دادند که ابن ابی نجیح گفت: روز احد منادی ندا می داد: «لا سیف الا ذو الفقار - و لا فتی الا علی». ۳۱ طبری نیز جریان نبرد تن به تن حضرت علی علیه السلام با پرچمدار مشرکان یعنی ابی طلحه را آورده است. ۳۲ از حملات مکرر حضرت علی علیه السلام در صحنه جنگ احد می نویسد و اینکه جبریل گفت: ای پیامبر خدا، از خود گذشتگی این است و پیامبر گفت: او از من است و من از اویم. جبریل گفت: من نیز از شمایم. گوید در این وقت بانگی برآمد که شمشیری جز ذو الفقار و جوانمردی جز علی نیست. ۳۳

در جریان فتح قلعه خیبر نیز، پیامبر صلی الله علیه و آله به نوبت، ابوبکر و عمر را برای فتح قلعه یهودیان خیبر فرستاد و آنان هر یک رفتند و برگشتند اما آنجا را فتح نکردند، تا آن که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فردا پرچم را به دست مردی می دهم که خدا و پیامبرش را دوست دارد و خدا و پیامبر خدا نیز او را دوست دارند و خدا به دست او قلعه ها را فتح می کند». ۳۴ پس از آنکه علی علیه السلام عازم منطقه می شود، خیبر را فتح و از در آن به عنوان سپر استفاده می کند در حالی که هشت نفر نمی توانستند آن را پشت و رو کنند. ۳۵

اخبار مورخین در خصوص دلاوری و شجاعت حضرت علی علیه السلام در عرصه پیکار با یهودیان خیبر، بخصوص نقل جمله معروف پیامبر صلی الله علیه و آله در شأن و مقام وی در فتح قلعه، بیانی دیگر از فضایل و مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام در تاریخ اسلام است.

در خاتمه قابل ذکر است، این مقال تنها بخشی از آیات و احادیثی را که در خصوص حضرت علی علیه السلام در قرآن و کلام نبی اکرم صلی الله علیه و آله آمده است، مورد بررسی و مذاقه قرار داده و در حکم گامی کوچک، در شناخت سیمای تابناک و عالم گیر امیر مؤمنان علی علیه السلام است.



۱. ابن هشام، عبدالملک، سیرة النبویه، ۲/ ۴۸۰ (۴ جلدی)، لبنان-بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ هـ/ ۱۹۹۳ م.
 ۲. همان/ ۴۸۱، ۴۸۲.
 ۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ۳/ ۹۱۱، ۹۱۳ (الرسل والملوک)، بیروت، مؤسسة عز الدین، ج ۲، ۱۴۰۷.



۴. ابن اثیر، عز الدین، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ۹۲۸/۲، ترجمه سید حسین روحانی، بی جا، ج ۱، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۰ هـ.

۵. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ۱۳۵/۲، نشر بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی با همکاری نشر فرهنگی رجاء و انتشارات امیرکبیر، ج ۵، ۱۳۷۰.

۶. مفید، محمد بن نعمان، الأرشاد، ۵۱/۱-۲، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، بی جا، انتشارات علمیه اسلامیة، بی تا.

۷. سیره ابن هشام، ۲۷۲/۴، ۲۷۳.

۸. تاریخ طبری، ۱۶/۳.

۹. تفسیر المیزان، ۸۰۰/۲۰، ۸۰۱.

۱۰. همان، ۵۶۶/۲.

۱۱. همان، ۳۶۴/۲۰، ۳۶۵.

۱۲. همان، ۶/۶.

۱۳. همان، ۳۰/۶، ۳۱.

۱۴. ابن سعد، ابو عبدالله محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ۳۵۸، ۳۷۵/۱، لبنان، دار بیروت، ۱۴۰۵ هـ، ابن واضح، تاریخ الیعقوبی، ۸۲/۲، ۸۳، دار بیروت، بی تا.

۱۵. تاریخ طبری، ۸۶۵/۲-۸۶۷؛ تاریخ ابن اثیر، ۸۷۷/۲-۸۷۹.

۱۶. سیره ابن هشام، ۱۶۳/۴.

۱۷. امینی، عبدالحسین، الغدیر، ترجمه اکبر ثبوت و محمد شریف رازی، ۳۳۴/۵ و ۱۴/۱۴، تهران، نشر کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۶۳، قشیری نیشابوری، ابوالحسن مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، تحقیق موسی شاهین لاشین و احمد عمر هاشم، ۲۲/۵، ج ۲، ۲۴۰۴، بیروت، مؤسسه عز الدین، ۱۴۰۷ هـ.

۱۸. سیره ابن هشام، ۲۴۸/۴-۲۵۳.

۱۹. همان/۲۵۲.

۲۰. تاریخ طبری، ۱۳۱۱/۴؛ تاریخ ابن اثیر، ۱۱۷۲/۳-۱۱۷۴.

۲۱. مرتضی مطهری، امامت و رهبری، ۲۱۱/۱.

۲۲. «من كنت مولاه فهذا علي مولاه» ر. ک: طبرسی، ابو منصور احمد بن علی، الاحتجاج، تعلیق سید محمد باقر موسوی خراسانی، ۶۰/۱، بیروت-لبنان، مؤسسه الاعلمی، ج ۳، ۱۴۱۰؛ المسند حنبل، ۵۷/۲، احادیث/۹۵ و ۶۴۱ و ۹۶۱ و ۹۶۴ و ۱۳۱۰؛ کلینی، یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی، ۴۳/۲، انتشارات چهارده معصوم، بی تا، تاریخ یعقوبی، ۱۱۲/۲.

۲۳. مفید، محمد بن نعمان، آمالی، ترجمه حسین استاد ولی، ۲۹، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۶۴.

۲۴. طبرسی الاحتجاج، ۶۰/۱؛ اصول کافی، ۴۳/۲؛ سایر منابع آمده در پانویشت شماره ۲۲.

۲۵. تاریخ طبری، ۸۶۷/۳؛ سیره ابن هشام، ۲۴۰/۱؛ تاریخ ابن اثیر، ۸۷۱/۲-۸۷۵.

۲۶. تاریخ یعقوبی، ۴۱/۲.

۲۷. طبقات الکبری، ۱۱/۸.

۲۸. تاریخ یعقوبی، ۴۱/۲.

۲۹. سیره ابن هشام، ۳۹۳/۲.

۳۰. همان، ۸۵/۳.

۳۱. همان/۱۰۶.

۳۲. تاریخ طبری، ۱۰۲۲/۳.

۳۳. همان/۱۰۲۶.

۳۴. سیره ابن هشام، ۳۴۹/۳، ۳۵۰؛ تاریخ طبری، ۱۱۴۶/۳، ۱۱۴۷؛ تاریخ ابن اثیر، ۱۰۶۹/۳، ۱۰۷۰.

۳۵. سیره ابن هشام، ۳۵۰/۳.

